

## توان مبارزاتی طبقه کارگر؟

به مناسبت 1 ماه مه

مرجان افتخاری

در مناسبات تولیدی سرمایه داری که همه مناسبات و روابط بر محور تولید ارزش اضافی و انباشت سرمایه سازمان داده شده، ارزان تر کردن نیروی کار تنها استراتژی سرمایه داری جهانی بویژه در زمان بحرانها است. سرمایه داری در بحران اقتصادی دهه 1930 که به رکود یا بحران بزرگ معروف است، در بحران کوتاه مدت پس از جنگ جهانی دوم و در بحران نفتی دهه 70 یک برنامه استراتژیک داشت، "ارزان تر کردن نیروی کار". اما بحران فراگیر سرمایه داری جهانی که از نیمه سال 2007 آغاز شد با بحران بهداشتی و ویروس کوید 19 ابعاد پیچیده تری پیدا کرد. کاهش رشد تولید، رکود اقتصادی، تورم و بیکاری گسترده نیروی کار، افزایش نا برابریها و تبعیضهای جنسیتی بویژه در ارزان تر کردن نیروی کار زنان پیامدهای اولیه بحرانی است که با آن روبرو هستیم. افزایش قیمت کالاها و خدمات، کاهش سطح زندگی و در نتیجه افزایش فقر و تهیدستی اکثریت مزد بگیران ادامه سیاستهای سرمایه داری و بحران چند وجهی آن است.

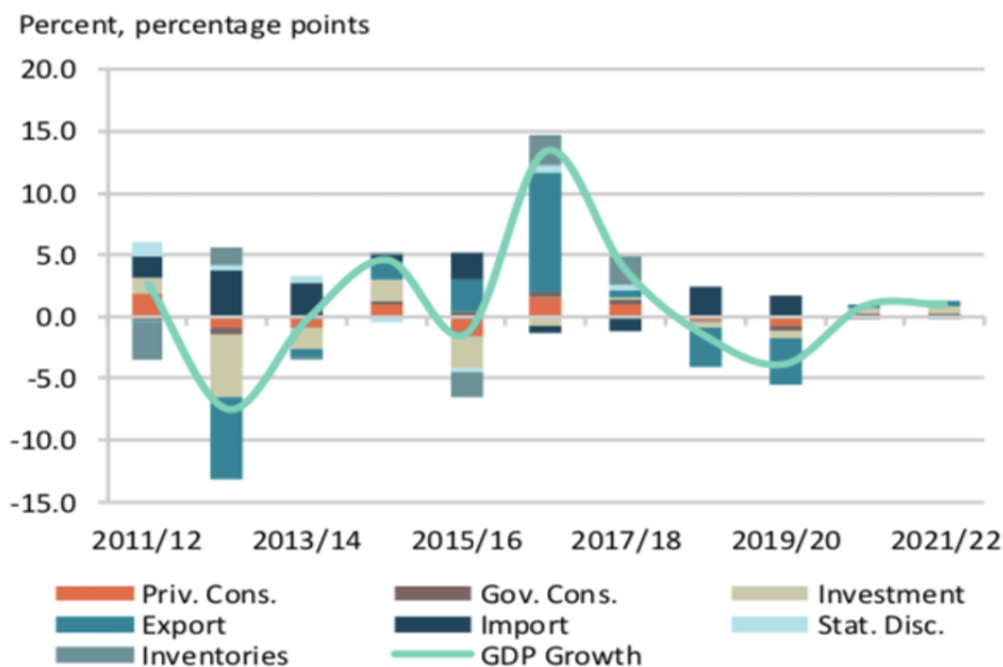
اما وضعیت مزد بگیران، سطح دستمزدها، گسترش بیکاری، گرانی فزاینده و شرایط زندگی اکثریت مردم در کشورهای که به کشورهای جهان سوم معروف هستند به مراتب اسفبارتر از کشورهای بزرگ سرمایه داری است. سیل مهاجرین مردم آمریکای لاتین به آمریکا، تهیدستان کشورهای آفریقایی به اروپا، جنگ زدگان سوریه به اروپا با تمام محدودیتها و کمپهای میلیونی پناهندگان در لبنان، اردون و ترکیه تنها موضوعی اقتصادی نیست بلکه روابط اجتماعی، انسانی و آسیبهای محیط زیستی هم را شامل می شود.

در ایران به غیر از تحریمهای اقتصادی امپریالیسم آمریکا و کاهش حداکثری درآمدهای نفتی که 80% بودجه دولت را تشکیل میدهد، غارت و فساد مالی، هزینه های نظامی و جنگی در منطقه، ابعاد بحران و ویرانی اقتصادی را چند برابر کرده است. بدون شک تحریم های اقتصادی آسیب و ضربه بزرگی است بر زندگی مزد بگیران و بیکاران. اما، در دو دهه گذشته جمهوری اسلامی برای توسعه زیر ساختهای اقتصادی و نوسازی صنایع تولیدی سرمایه گذاری مهمی نداشته. یکی از دلایل بیکاری بویژه بیکاری جوانان با مدارک تحصیلی بالا عدم تناسب بین عرضه و تقاضای نیروی کار است که به زیر ساختها و مدرنیزاسیون صنایع برای بالا بردن ظرفیتها مربوط می شود.

در حالی طبقه کارگر و مزد بگیران به استقبال اول ماه مه میروند که فقر و تهیدستی گسترده ای به آنها تحمیل شده. در پی سیاستهای جمهوری اسلامی و سرمایه داری جهانی بطور مشخص تحریمهای امپریالیسم آمریکا، اقتصاد ایران که به صادرات نفت وابسته است با رکود بی سابقه ای روبرو است. در حالی که در سال 2018 صادرات نفت 2,8 میلیون بشکه در روز بود در اواخر سال 2020 به 300,000 بشکه در روز رسید. رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) غیر از سال 2016 با رشدی برابر با 13.40% از سال 2017 رو به کاهش گذاشت. به این صورت که در سال 2017 ابتداء به کمترین در صد رشد مثبت یعنی 3.75% و سپس به 6.03% در سال 2018 و به 6.78- در سال 2019 میرسد<sup>(1)</sup> هنوز آمار مربوط به سال 2020 منتشر نشده.

نمودار زیر درصد رشد اقتصادی را همراه با شاخص های دیگری اقتصادی از جمله صادرات را با ارزیابی تا سال 2021 نشان می دهد.

**FIGURE 2 Islamic Republic of Iran / GDP growth composition (demand side)**



Sources: Based on CBI data and World Bank staff estimations.

<https://theconversation.com/iran-un-effondrement-economique-amorce-bien-avant-les-sanctions-americaines-120873>

همانطور که مشاهده می شود منحنی سینوسی تولید ناخالص داخلی برای سالهای 2019 و 2020 منفی است.

نتیجه تحریمهای گسترده امپریالیسم آمریکا و سیاستهای اقتصادی، مالی و ارزی چندین ساله جمهوری اسلامی را می توان در افزایش نرخ بیکاری در تمام شهرها، بویژه استانهایی که همیشه بدلیل سیاستهای دو رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی در محرومیت نگهداشته شده اند مشاهده کرد.

یکی از بهترین شاخصهای قابل اندازه گیری شرایط و وضعیت اقتصادی آمار بیکاری است. آماري که بخاطر سیاستهای جمهوری اسلامی در مخفی نگاه داشتن حقایق اقتصادی هیچگاه بیان واقعیت نیستند. اما تنها ملاک و معیاری برای بررسی است.

استان‌های دارای نرخ بیکاری دو رقمی (2)

استان	زمستان ۹۹
کردستان	۱۸.۸ درصد
کرمانشاه	۱۸ درصد
آذربایجان غربی	۱۴.۷ درصد
هرمزگان	۱۴.۱ درصد
یزد	۱۳.۵ درصد
چهارمحال و بختیاری	۱۳.۴ درصد
خوزستان	۱۲.۹ درصد
لرستان	۱۲.۵ درصد
خراسان شمالی	۱۲.۲ درصد
کرمان	۱۰.۸ درصد
قم	۱۰.۲ درصد
سیستان و بلوچستان	۱۰.۲ درصد
البرز	۱۰.۱

با وجود اینکه استان خوزستان دارای زیر ساخت‌های اقتصادی و صنایع بزرگ و کلیدی است اما نرخ بیکاری ۱۲.۹٪ دلیلی است که صنایع ظرفیت لازم برای تولید و در نتیجه استخدام نیروی کار را ندارند. در جمهوری اسلامی بودجه و هزینه های لازم برای مدرنیزاسیون ماشین آلات و ابزار تولیدی بعنوان یک سیاست اقتصادی وجود ندارد. نرخ تورم ۴۶٪ (طبق اعلام رئیس بانک مرکزی) و گرانی کمرشکن اقلام مورد نیاز بار سنگین و طاقت فرسایی بر زندگی مزدبگیران، تهیدستان و باز نشستگان گذاشته است.

به این شرایط اسفبار اقتصادی، بحران بهداشتی و درمانی با شیوع جهانی ویروس کوید ۱۹ هم افزوده شد. بحرانی که جمهوری اسلامی کمترین برنامه، سیاست و کمترین هزینه ای برای مهار این ویروس نداشت و ندارد. در حالیکه در بیشتر کشورها با قرنطینه و کمک‌های مالی به مزدبگیران توانستند تا حدود زیادی از انتشار بیشتر ویروس و مرگ و میر جلو گیری کنند. جمهوری اسلامی با عوام فریبی، شارلاتانیزم، دروغ‌گویی و تبلیغات خرافی اسلامی باعث مرگ و میر تعداد زیادی از مزدبگیران، تهیدستان و کادر پزشکی و درمانی شد. در مورد واکسن که می تواند جان بسیاری از مردم را نجات دهد، در ابتدا آنرا به درگیرهای دروغین ۴۲ ساله خود با آمریکا و غرب کشاندند و سپس با دروغ پردازیهای گوناگون مردم را به حال خود رها کردند. امروز مردم با فقر گسترده و مرگ و میر ناشی از ویروس در بحرانی ترین وضعیت روحی و روانی قرار دارند.

تنها پروژه دستیابی به انرژی و سلاح های هسته ای است که در تمام این سالها قطع نشد. علاوه بر هزینه های سنگین آن بر گرده مزد بگیران، دستیابی به سلاح های هسته ای برای رژیم جمهوری اسلام یک موضوع استراتژیک، هویتی و حیثیتی است. این رژیم برای تبدیل شدن به یک قدرت نظامی و هسته ای در منطقه از هیچ سیاست و جنایتی رویگردان نیست. سیاست سرکوب وحشیانه در داخل آنگونه که در دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ دیده شد و در خارج از مرزها با هزینه های بسیار سنگین که باز هم از سفره و سبد معیشتی مردم کاسته می شود با ارتجاعي ترین نیروهای اسلامی چون حزب

الله لبنان، حشد الشعبی، حماس، حوثیهای یمن و در کنار جنایتکاری چون بشر الأسد منطقه را به لبه جنگی ناخواسته کشانده است.

بدنبال این شرایط، پس از شش سال پنهان کاری بالاخره در فروردین ماه امسال سند همکاریهای 25 ساله با چین بدون اینکه مردم کمترین اطلاعی از متن آن داشته باشند اعلام شد. تنها گفته شد که این سند در زمینه اقتصادی، سرمایه گذاری در صنعت نفت، صنایع پتروشیمی، زیر ساختهای و همکاری های نظامی، امنیت و قضایی است.

به غیر از استفاده از نیروی کار ارزان و استثمار بیشتر مزدبگیران و متخصصین اما تجربه سرمایه گذاریهای چین در کشورهای آفریقایی نگرانی جدی برای محیط زیست را بوجود می آورد. در کنار این مهم سیستم کنترل شبکه های اجتماعی، اینترنت و امنیتی کردن فضای سیاسی و اجتماعی آنگونه که در چین انجام می شود بر نگرانیها می افزاید. اگر چه نقد این سند همکاری بدون دسترسی به متن آن ممکن نیست اما از آنجایی که تمام قراردادها، تفاهیم نامه و سندها بطور مستقیم به زندگی اقتصادی، سیاسی، محیط زیستی و آزادیها مربوط می شوند باید بر انتشار متن این سند پافشاری کرد.

در طی چند سال گذشته مبارزات کارگران، معلمان، پرستاران و باز نشستگان ابعاد گسترده تری داشت. مبارزه درخشان کارگران هفت تپه و رهبران آن و همینطور سپیده قلیان فعال کارگری فصل جدیدی در مبارزات کارگری بود. در کنار آن همبستگی مبارزاتی دو واحد تولیدی هفت تپه و فولاد اهواز چشم انداز نوینی از مبارزه طبقاتی بود که متأسفانه مانند همیشه سرکوب شد.

جنبش کارگری هم مانند جنبش زنان، دانشجویی و معلمان فراز و نشیبهایی را تجربه کرده است. اگر تنها وضعیت جنبش کارگری را در هشت سال ریاست جمهوری روحانی مورد بررسی قرار دهیم، مشاهده می کنیم که سیاستهای واگذاری واحد های تولیدی به بخش خصوصی، کاهش نیروی کار یا همان بیکار سازیها، کاهش دستمزدها، خدمات، بیمه ها و سختی شرایط کار روندی افزایشی داشته است. با این تفاوت که قیمت مسکن، کالاهای مورد نیاز، خدمات درمانی- بهداشتی و حمل و نقل چندین برابر افزایش پیدا کرد. به جرعت می توان گفت که روند تهیدست تر شدن کارگران حتی در واحدهای تولیدی بزرگ در حال افزایش است. تصویب حد اقل حقوق پایه 2 میلیون 655 هزار تومان در ماه هیچ تناسبی با نرخ تورم 46% اعلام شده از سوی بانک مرکزی ندارد. از این روی است که بحران فقر در بین تمامی مزد بگیران به پدیده ای گسترده تبدیل خواهد شد.

در مورد مبارزات کارگران، سالها است که فعالین کارگری بویژه در خارج از کشور بر "تشکلهای مستقل کارگری" تاکید کردند، اما مدتی است این موضوع را بدون یک جمع بندی یا تحلیل در بحثهای خود یا کمرنگ کردند یا کنار گذاشتند. اگر مبارزات رادیکال و استثنایی کارگران هفت تپه و ارتباط طبقاتی-اجتماعی شهر شوش را با مجتمع کشت و صنعت هفت تپه در نظر بگیریم تفاوت و استثنایی بودن مبارزات کارگران هفت تپه با سایر واحدهای صنعتی دیگر روشن خواهد شد. شرایطی که در دیگر واحدهای تولیدی وجود ندارد. رادیکالیزم طبقاتی و آگاهی سیاسی کارگران این واحد تولیدی در پیوند طبقاتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی با شهر شوش را نمی توان به سایر واحدهای تولیدی گسرش داد. بطور مشخص با واحدهای تولیدی بزرگ مانند شهر صنعتی اراک با دهها واحد تولیدی کلیدی یا ماشین سازی تبریز و همچنین مجتمع صنعتی بزرگ مبارکه. در تمام این سالها مبارزات پراکنده کارگران در این واحدهای تولیدی بزرگ بیشتر حول خواسته های معیشتی (حقوق های پرداخت نشده) بود که از نظر کیفی با مبارزات کارگران هفت تپه متفاوت هستند.

گره گاههای تاریخی دی 96، مرداد 97 و آبان 98 کشتار و سرکوب وحشیانه خیزش تهیدستان نشان داد که تاکید بیش از اندازه بر "تشکلهای مستقل" یعنی علنی کاری رابطه ای با واقعیت سیاست سرکوب رژیم ندارد. در حالی که اگر در مورد سازماندهی و ارتباطات از نوع دیگری تبلیغ، ترویج و نیرو گذاشته می شد، شاید امروز در فضا و جو سیاسی دیگری بودیم.

در چند روز گذشته، فعالین کارگری اعلام کردند در سال 1399 بیش از 1915 مورد اعتراضات از تجمع در محل کار، در خارج از محل کار، در برابر مراکز رسمی دولتی مانند مجلس، شهرداریها، فرمانداریها یا وزارت خانه ثبت شده است. محور بیشتر این اعتراضات بدون استثناء صنفی و معیشتی بود. بیشتر برای عدم پرداخت به موقع دستمزدها، افزایش دستمزدها، چند مورد هم علیه خصوصی سازیها و شرکتهای پیمانکاری بود.

اگر به مبارزات کارگران واحدهای تولیدی بزرگ در چند سال گذشته نگاهی داشته باشیم، بطور مشخص هپکو، آذر آب یا واگن پارس یا حتی در واحد های تولیدی کوچکتر و یا بخش های خدماتی مثلا کارگران شهرداریها یک شیوه مبارزاتی یا یک "عادت" را در این مبارزات مشاهده می کنیم. "عادت" به میدان آمدن هر چند ماه یک بار برای حقوقهای عقب مانده بدون اینکه تغییر یا ارتقایی در مبارزات آنها مشاهده شود. آیا این شیوه مبارزاتی "عادت" شده توان مبارزاتی کارگران را تضعیف نمی کند؟

با وجود تعداد زیاد اعتصابات و اعتراضات ولی تغییر کیفی از نظر خواسته ها، مطالبات و یا شیوه مبارزاتی با سالهای گذشته مشاهده نمی شود. افزایش کمی اعتراضات که مربوط به وضعیت اقتصادی فروپاشیده است به مفهوم ارتقاء و رشد مبارزاتی نیست. انتظار می رفت که در همان ابتدا شیوع پاندمی کرونا و خطر مرگ و میر، حرکتها و خواسته هایی مبنی بر تعطیلی همراه با دستمزد، کمکهای مالی، ماسک و مواد ضد عفونی کننده مجانی و مهمتر از آن واکس مجانی جزء خواسته و مطالبات تمامی مزدگیران باشد. با توجه به در صد بالای مرگ و میر در بین کارگران، تهیدستان و زحمتکشان ولی شاهد اعتراضات و طرح علنی این خواسته ها نبودیم. در حالی که موضوع واکسن و مسایل بهداشتی بهداشت هم خواسته ای است صنفی

بدون تردید سرکوب می تواند یکی از مهمترین دلایل یک نواختی یا "عادت" در مبارزه کارگران بویژه در واحدهای تولیدی کلیدی باشد. اما سرکوب سابقه طولانی چهل و دو ساله در جمهوری اسلامی دارد و موضوع تازه و یا جدیدی نیست. سرکوبی سیستماتیک که به تمام طبقات، اقشار مردم در سطح وسیعی اعمال می شود. حتی اگر کمترین خواسته، مطالبه ای و یا اعتصابی هم نباشد سرکوب به شکل دیگری و در زمینه دیگری وجود دارد. آنچه که اتفاقا در برابر سرکوب اهمیت دارد همبستگی بعنوان یک "ضرورت" است. هنوز پس از سالها مبارزه، همبستگی و اتحاد بعنوان یک درک و "ضرورت" در بین کارگران واحد های بزرگ صنعتی و بخش های دیگر تولیدی و خدماتی مطرح نیست.

مشکل عدم همبستگی تنها در بین کارگران نیست در بین دانشجویان و یا زنان هم برجسته است. با این تفاوت که جنبش زنان اساسا متفاوت از بقیه جنبش ها از نظر صنفی و مکانی است. بعبارت دیگر با این که "درد مشترک" در سطح وسیعی از جامعه بصورت عریان وجود دارد ولی "مرا فریاد کن" هنوز بعنوان یک ضرورت وجود ندارد. بیکاری، فقر، تهیدستی، بی خانمانی، گرسنگی و مرگ و میر و ویروس کرونا دردهای مشترکی هستند که بدون همبستگی مبارزاتی پاسخی نخواهند داشت.

<https://perspective.usherbrooke.ca/bilan/servlet/BMTendanceStatPays?langue=fr&codePays=IRN&codeTheme=2&codeStat=NY.GDP.MKTP.KD.ZG>

<https://etemadonline.com/content/475404/%D9%86%D8%B1%D8%AE-%D8%A8%DB%8C%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%DA%A9%D8%AF%D8%A7%D9%85-%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-%D9%87%D8%A7-%D8%AA%DA%A9-%D8%B1%D9%82%D9%85%DB%8C-%D8%A7%D8%B3%D8%AA>